

فهرست

۱۱	یادداشت مترجم
۱۳	پیش‌گفتار
۱۹	فصل یکم: واقع‌گرایان و نام‌گرایان (رنالیست‌ها و نومینالیست‌ها)
۴۱	فصل دوم: ادبیات چیست؟ (۱)
۸۷	فصل سوم: ادبیات چیست؟ (۲)
۱۴۳	فصل چهارم: ماهیت ادبیات داستانی
۲۱۳	فصل پنجم: راه‌بردها
۲۸۳	پی‌نویس‌ها
۲۹۷	نمایه

پیش‌گفتار

نظریه‌ی ادبی در دو سه دهه‌ی اخیر تقریباً از رونق افتاده است، و در نتیجه کتاب‌هایی از این دست به تدریج کم‌یاب می‌شوند. هستند کسانی که از این بابت تا ابد شکرگزارند و اکثرشان این «پیش‌گفتار» را نخواهند خواند. در دهه‌ی ۱۹۷۰ یا ۸۰، کم‌تر کسی پیش‌بینی می‌کرد که نشانه‌شناسی، پسااساخت‌گرایی، مارکسیسم، روان‌کاوی، و جریانات مشابه دیگر برای دانش جویان سی سال بعد عموماً حکم زبان یا جوج و مأجوج را پیدا خواهد کرد. مطالعات فرهنگی، پسااستعماری، قومیتی و جنسیتی دل‌مشغولی‌های چهارگانه‌ای‌اند که روی‌هم‌رفته جریان‌های فوق را حذف کرده‌اند، و این البته برای مخالفان محافظه‌کار نظریه، که قطعاً امیدوار بودند زوال نظریه طلیعه‌ی بازگشت به «وضعیت پیشین» باشد، خبر دل‌گرم‌کننده‌ای نیست.

البته، مطالعات فرهنگی، پسااستعماری، قومیتی و جنسیتی خالی از نظریه نیستند، و قدمت‌شان هم به دوران پیش از زوال نظریه بازمی‌گردد. قضیه این است که در پی دوره‌ای که به دوره‌ی نظریه‌ی «ناب» یا «والا»^۱ معروف است این رشته‌های مطالعاتی با تمام قدرت در صحنه ظاهر شدند، و آن دوره را پشت‌سر گذاشتند؛

۱. در دهه‌های ۸۰ - ۱۹۷۰، از معناشناسی، هرمنوتیک، پدیدارشناسی، پسااساخت‌گرایی و حتی روان‌کاوی با عنوان نظریه‌های «ناب» یا «والا» یاد می‌شد. دهه‌های بعد، که دوره‌ی رواج پسامدرنیسم، فمینیسم، پسااستعماری و تاریخ‌باوری نو است، به دلیل اشتغال این جریان‌ها به موضوعات ملموس‌تر فرهنگی از درجه‌ی «ناب» بودن یا «والا»یی‌شان کاسته شده و به همان میزان هم از ادبیات فاصله گرفته‌اند. این حرف تا حدی در خصوص نظریه‌ی «ناب» هم صادق است. ایگلتون بازگشت به مسائل سیاسی و فرهنگی رایج را رخداد خجسته‌ای می‌داند، اما نظریه‌ی «ناب» را، به دلیل فاصله‌گرفتن از چنین مسائلی و حوزه‌هایی، و هم‌چنین محافظه‌کاری و عافیت‌طلبی فلسفه‌ی ادبیات، برخوردار از توان انتقادی بیش‌تری می‌بیند. نگاه کنید به تری ایگلتون، «مقدمه‌ی ۲۰۰۷»، پیش‌درآمدی بر نظریه‌ی ادبی، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: مرکز، ۱۳۹۳.